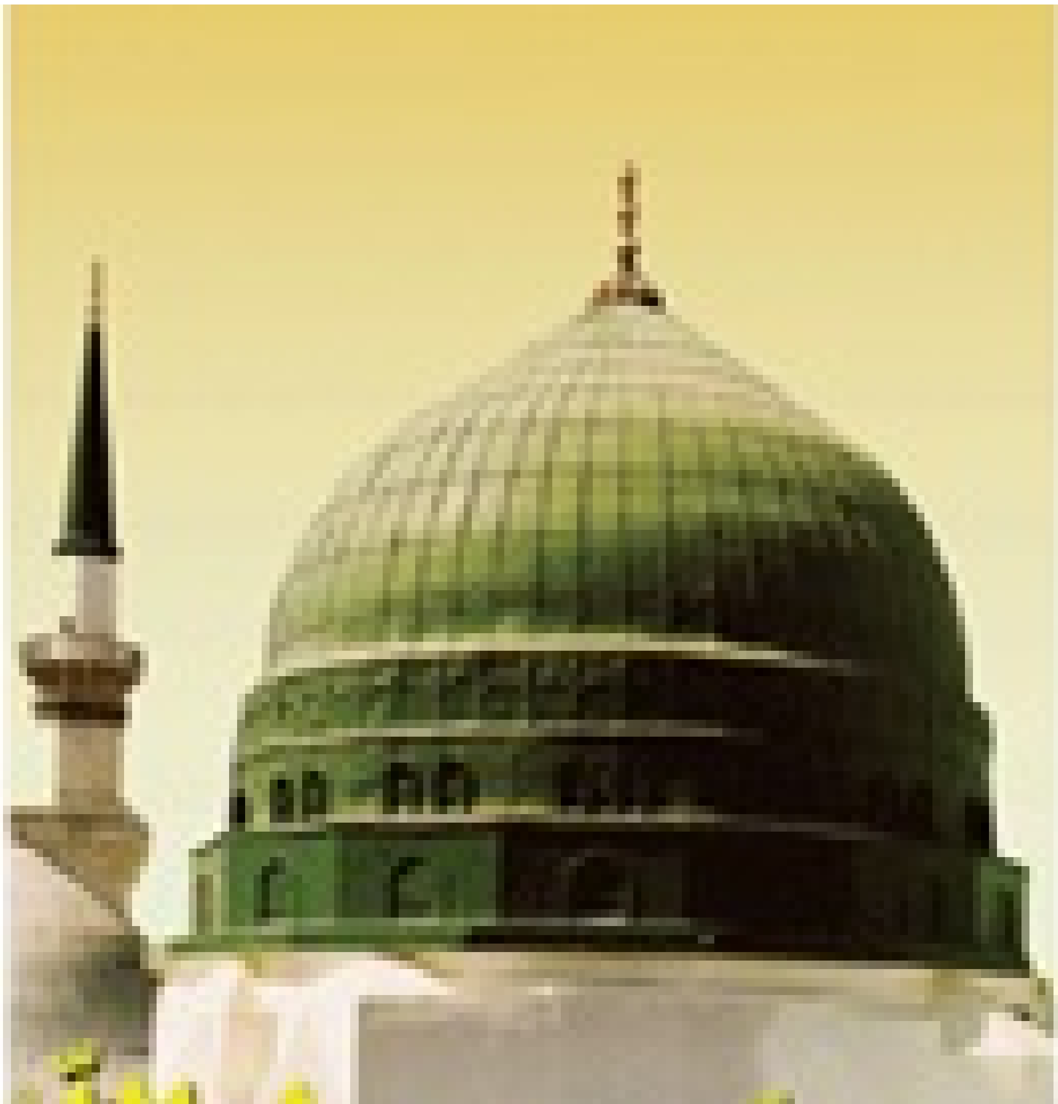


محمد رسول الله

ویژه نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحیم

محمد (صلی الله علیه و آله) رسول الله

نویسنده:

واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : محمد رسول الله صلی الله علیه و آله / مولف واحد پژوهش.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۴۲ ص.

شابک : ۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۰۷۲-۱ :

یادداشت : چاپ ؟ : ۱۳۸۵(در انتظار فهرستنویسی).

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : عنوان روی جلد: محمد رسول الله: ویژه نوجوانان.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : محمد رسول الله: ویژه نوجوانان.

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- سرگذشتنامه

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- سرگذشتنامه -- ادبیات نوجوانان

شناسه افزوده : مسجد مقدس جمکران. واحد پژوهش

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۲/۹/م۳ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۳

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۲۹۵۶۰

ص:۱

اشاره

«زاده ذبیح»

شهر مکّه در التهابی عجیب فرو رفته بود...

شهر مکّه در التهـابی عجیب فرو رفته بـود. گرداگرد کعبه ولوله بود. مردم از هر قـبیله و طـائفه ای و از هر مسـلک و مرامی در مسـجدالحرام گرد آمده و اینک، همه دیده به دهان عبدالمطلب دوخته بودند، مردی که بزرگ مکّه و کلیددار کعبه و سقایت کننده حجّاج بود.

«اللهم ربّ هذا البیت ... ».

صـدای عبـدالمطلب که بلند شد، همه همهمه ها خاموش گشت و سـکوت چنان بر مردم حاکم شد که کلمات پر صـلابت او، حتّی به گوش کسانی که بر صفا و مروه نشسته بودند می رسید.

«خدای من! ای پروردگار این خانه و این حرم و زمزم!

ای پروردگار فرشتگان و همه آفریدگان!

به حق تقدیرت، و به نور خویش، ظلمت را از ما بزدای... .

خـدایا ! تو می دانی که من نـذر کرده ام و بـا تو پیمـان بسـته ام که اگر ده فرزنـد پسـر به من عنایت کنی و یاور من باشـی، به شکرانه این نعمت بزرگ، یکی از آنـان را در پیشـگاه با عظمت تو قربانی نمایم. اکنون این من و این ده فرزنـد من! همگی در برابر تو ایستاده ایم، هر کدام را که می خواهی انتخاب کن تا قربانی نمایم!»

نگـاه هـای مردم از چهره پرهیبت عبـدالمطّلب به روی صـورت ده فرزنـد برومنـد او چرخیـد و بر چهره معصـوم آخرین مـاه او «عبداللَّه» ثابت ماند.

عبداللَّه تنها یازده سال داشت و زیبایی و نورانیّتش خیره کننده بود. همه شـنیده بودند که وقتی عبدالمطلب فرزندانش را از نذر خویش آگاه کرده بود، در میان سکوت همگان، تنها او برخاسته و گفته بود:

«ای پـدر! تو حاکم بر ما هستی و ما فرزنـدان تو و مطیع فرمان تو می باشـیم. حقّ خدا بر تو واجب تر از حقّ ما، و رعایت فرمان او لازم تر از مراعـات حـال مـاست. مـا بر حکم خـدا و نـذری که کرده ای شـکیباییم و به امر خـدا راضـی هستیم و از این که مخالفت فرمان تو کنیم به خدا پناه می بریم.»

همه شـنیده بودند که وقتی مادرش او را در آغوش گرفته و با قلبی سوخته و چشمی اشکبار از همراهی او با پدر ممانعت کرده بود، ملتمسانه به مادرش گفته بود:

«مادرم! بگذار با پدرم بروم، تا آنچه را که درباره من پیمان بسته است انجام دهد.»

چوب های قرعه آماده شـده و بر هر کـدام نام یکی از فرزنـدان عبـدالمطلب نوشـته شـده بود. مادران گریه می کردنـد و زنان شیـون می زدنــد و اشـک هـا بر چهره مردان می غلتیـد. ناگهـان پیرمردی کـه چـوب هـای قرعـه را بـه هـم می زد و بـه روش مخصوصـی ذکر می خوانـد از جـا برخـاست. کنـار درِ خـانه کعبـه ایسـتاد و در حـالی کـه دسـت عبـداللَّه را گرفته بـود، رو به عبدالمطلب کرد و گفت: «ای عبدالمطلب! قرعه بنام این فرزند

تو در آمد. می خواهی او را قربانی کن، نمی خواهی رها ساز.»

لحظاتی دنیا در نظر پیر مکّه تیره و تار شد. احساس کرد زانوانش طاقت ندارد. روی زمین نشست و به سختی گریست، ولی یکباره برخاست. اینک خنجری برّان در دست راستش، زیر نور خورشید داغ حجاز می درخشید. با عزمی استوار قدم پیش نهاد و دست عبداللَّه را که ردای کوچکش را به گردن پیچیده و چشم به مادرش دوخته بود، در دست گرفت و به سوی قربانگاه به راه افتاد.

بزرگان قریش و فرزندان عبدمناف به او در آویخته و در منصرف ساختن او از کشتن فرزند می کوشیدند، امّا او فریاد می کشید:

«وای برشما ! شما که به فرزند من مهربان تر از من نیستید!» بگذارید حکم خدایم را اجرا کنم!

پاهای عبداللَّه بسته شده و نفس ها در سینه ها حبس شده بود که ناگهان ده مرد پابرهنه و شمشیر به دست، خود را به میان جمعیّت افکندند و با شتاب خود را به عبدالمطلب رسانده و بین او و عبداللَّه حایل شدند و فریاد کشیدند: نمی گذاریم فرزند خواهرمان را بکشی، مگر این که قبل از او ما را تا آخرین نفر از دم تیغ بگذرانی».

یکبار دیگر سراسر مسجد الحرام غرق هیاهو شد، هرکس چیزی می گفت، صداها درهم می آمیخت و صدای ضجّه زن ها را در خود محو می کرد.

عبدالمطلب در مانده به آسمان می نگریست و گویا با خدایش سخن می گفت: «خدایا ! اینان مرا از اجرای حکم تو باز داشتند و نگذاشتند به

عهد تو وفا کنم. خودت بین ما حکم کن و تو بهترین حکم کنندگانی.»

مردی از بزرگان قریش به نام «عکرمه» به مردم اشاره می کرد و با حرکات دست خویش، آنان را به سکوت فرا می خواند.

مردم اندک اندک آرام گرفتند، او با صدای بلند گفت:

«ای ابوحارث! تو سرور سرزمین حجازی؛ بدان که اگر فرزندت را قربانی کنی، این کار پس از تو به عنوان سنّتی ناپسند باقی خواهد ماند و زشتی و ننگ آن برای همیشه به نام تو ثبت خواهد شد و این سزاوار تو نیست.»

عبدالمطلب با ناتوانی گفت: «می گویی چه کنم؟ آیا خدایم را به غضب آورم؟»

عکرمه با اطمینان گفت: «من راهی بهتر می شناسم. در شهر ما دانشمندیست که از پنهانی ها نیز خبر می دهد. او به یقین چاره ای برای این مشکل خواهد یافت.»

عبدالمطلب رو به بزرگان قوم کرد و نظرشان را پرسید. همگی کلام عکرمه را منطقی و درست دانستند و عبدالمطلب را به پیروی از همین روش تشویق کردند.

عبدالمطلب خم شد، پای عبداللّه را گشود و در میان هلهله مردم دست او را گرفت و روانه منزل شد.

چندی بعد بار دیگر اجتماعی در مسجد الحرام صورت گرفت تا بنابه نظر آن دانشمند، بین عبداللّه و شتران سرخ موی حجازی قرعه اندازند.

او گفته بود: «دیه هر شخصی نزد شما ده شتر است. بنابراین بین

ص:۸

عبـداللَّه و ده شتر قرعه اندازیـد. اگر به نـام عبـداللَّه در آمـد، ده شتر به شتران بیفزاییـد و همینطور تعـداد شتران را بالا ببریـد تا عاقبت قرعه به نام شتران در آید.

آن روز در میان شـگفتی حاضران، زمانی که تعداد شتران به صد رسیده بود، قرعه به نام شتران در آمد. این بار قرعه را سه بار تکرار کردند و در هر بار تنها یک نتیجه حاصل شد.

صـد شتر به جای عبـداللَّه قربانی شدنـد و عبـداللَّه پـدر محمّـد رسول خداصـلی الله علیه وآله زندگی دوباره ای یافت. یک بار دیگر در تاریخ، امتحانی بزرگ تکرار گشت و عبداللَّه همچون جدّ بزرگش اسماعیل، ذبیح رها شده راه خدا شد.

صد شتر قربانی شدند تا عبداللَّه بماند و در ازدواجش با آمنه بنت وهب، آخرین و درخشـنده ترین نور رسالت الهی را در عالم جلوه گر سـازد؛ امّـا این چه رازی بود که در هنگـام ولاـدت این نور، چهره در نقـاب خـاک کشـیده و طلوع آخرین خورشـید آسمان نبوّت و رسالت را شاهد نبود.

پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله در روز جمعه، هفـدهم ربیع الاوّل، انـدکی پس از طلوع فجر، پنجاه و پنـج روز پس از هلاکت اصحاب فیل، به دنیا آمد و از همان کودکی تحت سرپرستی پدربزرگش عبدالمطلب قرار گرفت.(۱)

ص:۹

۱- ۱. بحارالأنوار، ج ۱۵، ص ۲۵۰.

«یتیم مکّه»

«اَلَمْ یَجِدْکَ یتیماً فَآوی ... و وَجَدَکَ عائِلًا فَأَغْنی (۱)

«آیا نه چنین است که خدایت تو را یتیم یافت و پناهت داد و تو را تنگدست یافت و توانگرت ساخت؟»

گویا محرومیّت و فقر مادّی نه تنها ویژگی پیامبر خاتم، بلکه از ویژگی های همه پیامبران و اولیای الهی است، که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: پیامبران اشخاصی مستضعف بودند که خداوند آنان را به گرسنگی و بیچارگی آزمود، به مشقّت و سختی مبتلای شان کرد، با اموری ترس انگیز امتحان شان نمود و به وسیله سختی ها و امور ناخوشایند خالص شان ساخت. خداوند سبحان پیامبرانش را در چشم دیگرانی که به حالات آنان می نگرند مستضعف جلوه داد. با قناعتی که چشم و دل آنان را از غنا و توانمندی آکنده می ساخت و با فقر و نیازی که آزار آن، دیده و گوش ایشان را پر می نمود.»(۲)

«خدا اگر می خواست، می توانست همه پیامبران و از آن جمله پیامبر

۱- ۲. سوره ضحی آیات ۶ و ۸ .

۲- ۳. نهج البلاغه صبحی صالح، بخشی از خطبه قاصعه - شماره ۱۹۲.

خاتم صلی الله علیه وآله را صاحب شوکت و عزّت و سلطنتی بی نظیر قرار دهد؛ امّا در آن صورت مردم از ترس قدرت ظاهری، یا به شوق بهره مادّی، زودتر ایمان می آوردند، لکن خداوند اراده نمود که پیروی از پیامبران و تصدیق کتاب های الهی و خشوع در برابر او و گردن نهادن به اطاعت او، اموری خاصّ او باشد، چنان که هیچ شائبه ای آن را آلوده نکند.»(۱)

یتیم بودن و فقر پیامبرصلی الله علیه وآله همچنان که زمینه ای برای رشد و شکوفایی استعدادهای خود پیامبر بود، عاملی در جهت اخلاص بیشتر مؤمنین به شمار می رفت.

هنوز به دنیا نیامده بود که پدرش از دنیا رفت و دو ساله بود که مادرش را از دست داد و تنها هشت سال داشت که سرپرست و مدافع والامقامش، عبدالمطلب، تنهایش گذاشت.(۲)

یتیمانه زیستن تا پدر همه امّت شدن، راه طولانی و دشواری است که پیمودن آن رنجی افسانه ای می طلبد و با فقر ساختن، تا به ثروت همه دنیا پشت پا زدن، مقام استثنایی و والایی است که رسیدن به آن ایمانی اسطوره ای می خواهد و چنین رنج بردن و ایمان ورزیدنی را تنها در کارنامه پرافتخار پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می توان سراغ گرفت.

۱- ۴. مدرک پیشین.

۲- ۵. بحار، ج ۱۶، ص ۱۳۷.

**«پیامبر که سواد نیاموخته بود»

از معجزات و شگفتی های وجود شریف پیامبرصلی الله علیه وآله که در اثبات نبوّت او نیز به کار می آید، درس ناخواندگی اوست.

«او نه مکتب رفته بود و نه کتابی را آموخته بود، با این همه قرآنی را آورد که مشتمل بود بر داستان های پیامبران و سرگذشت های آنان و آنچه در گذشته بوده و در آینده و تا قیامت روی خواهد داد.(۱)

خداوند فرمود: «تو پیش از نزول قرآن، کتابی نمی خواندی و خطّی نمی نوشتی تا موجب شبهه حق ستیزان نباشد.»(۲)

این بالاترین افتخار پیامبرصلی الله علیه وآله است که همه دانش ها را در سینه دارد، به همه اخبار پیشینیان و آیندگان آگاه است و قفل بسته همه مجهولات هستی به کلید اندیشه و حکمت او گشوده می شود، با این همه، تعلیم هیچ معلمی جز خدای تعالی را نپذیرفته و هیچ نوشته ای، جز لوح محفوظ پروردگار را، مطالعه ننموده است.

این والاترین مقام است که در جامعه ای جهالت زده و خرافه پرست

۱- ۶. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۳۶

۲- ۷. سوره عنکبوت، آیه ۴۸

همچون جامعه عربستان که تعداد افراد باسواد آن، در زمان ظهور اسلام از انگشتان دست تجاوز نمی کرد، انسانی ظهور کند که دانش و اندیشه او نه تنها دانشمندان آینده آن مرز و بوم، بلکه همه اندیشمندان بزرگ تاریخ بشریت در همه جای گیتی را به حیرت وادارد.

این روشن ترین اعجاز پیامبرصلی الله علیه وآله است که به اعتراف همه مخالفان بر درس ناخوانده بودنش، همه درس خوانده ها و دانش آموختگان سراسر دنیای آن روز و همیشه تاریخ را به آوردن همانندی برای قرآن و یا حتی سوره ای از آن دعوت نماید و با قاطعیت، عجز آنان را در انجام این عمل، اعلام نماید.

گفتنی است که طبق احادیث قطعی، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله پس از بعثت، به همه زبان ها سخن می گفت و مطلب می نوشت.

ص:۱۳

«خود توصیف کننده خود»

در میان خلایق، شایسته ترین کسی که می تواند از ویژگی ها و مزایای پیامبرصلی الله علیه وآله خبر دهد، وجود شریف خود پیامبرصلی الله علیه وآله است. او که بر اساس وحی، جز راستی و حقیقت بر زبانش جاری نمی شود و گزافه و اغراق و باطل، در کلامش راهی نیست.

از این روست که در جوابگویی به نیاز شناخت پیامبرصلی الله علیه وآله انبوهی از روایات نبوی را می یابیم که به عنوان توصیف خود، در کتب روایی نقل شده است:

من، محمّد و احمدم. من پیامبر رحمت و جهادم.(۱)

من، تربیت یافته و تأدیب شده خدایم.(۲)

من، رحمت هدیه شده به سوی بندگانم.(۳)

من، سرور فرزندان آدم هستم و فخری نیست.(۴)

من، پیشوای رسولان و خاتم پیامبران و اوّلین شفیع روز قیامتم و فخری نیست.(۵)

ص:۱۴

۱- ۸. طبقات، ج ۱، ص ۱۰۴

۲- ۹. بحار ج ۲، ص ۲۳۱

۳- ۱۰. کنز العمال، ح ۳۱۹۹۵

۴- ۱۱. بحار، ج ۱۶، ص ۳۲۵

۵- ۱۲. کنز العمال، خ ۳۱۸۸۶

من، باتقواترین شما و داناترین شما به حدود و احکام الهی هستم.(۱)

من، فرزند دو ذبیح هستم. (اسماعیل بن ابراهیم خلیل علیهما السلام و عبداللّه بن عبدالمطلب علیهما السلام)(۲)

خداوند هیچ کس را برتر و گرامی تر از من در نزد خویش نیافریده است.(۳)

من، اوّلین کسی هستم که به پروردگارم ایمان آوردم و آن زمان که از پیامبران میثاق می گرفت و با «الست بربکم» آنان را، شاهد بر خویش قرار می داد، من اوّلین پیامبر بودم.

به خدا سوگند! همانا من امین در آسمان و زمین هستم.(۴)

من، در آنچه که بر من وحی نمی شود، همچون سایر مردم هستم.(۵)

به چهار ویژگی بر سایر پیامبران صلی الله علیه وآله فضیلت یافتم: به سوی همه انسان ها مبعوث شدم، تمام زمین برای امّتم مسجد و مایه تطهیر قرار گرفت، به هراسی که از من در دل دشمنانم می افتد یاری شدم و غنایم بر من حلال شد.

۱- ۱۳. کنز العمال، خ ۳۱۹۶۴

۲- ۱۴. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۷

۳- ۱۵. نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۵۴

۴- ۱۶. کنز العمال، خ ۳۲۱۴۷

۵- ۱۷. الدر المنثور، ج ۲، ص ۸۳

**«توصیف از زبان برادر»

آن که عمری را با پیامبرصلی الله علیه وآله گذراند و از اوّلین قدم تا آخرین لحظات عمر پیامبرصلی الله علیه وآله، در مسیر رسالت و هدایت مردم با او همراه بود و در همه فراز و فرودها، سختی و آسانی ها، صلح و جنگ ها، پا به پای او رفت و کوشید، علی علیه السلام بود. اویی که از میان همه مؤمنان، تنها او بود که افتخار برادری پیامبرصلی الله علیه وآله را پیدا کرد.

پیامبرصلی الله علیه وآله در حقّش فرمود: ای علی! خدا را کسی جز من و تو به درستی نشناخت و مرا نیز کسی جز تو به حقیقت نشناخت.

علی علیه السلام است که پس از خداوند تعالی و خود پیامبرصلی الله علیه وآله بهترین معرّف پیامبرصلی الله علیه وآله می تواند باشد. و نهج البلاغه اوست که خطبه های مختلف و نامه های متعددش، جلوه گاه اوصاف شریف رسول خداصلی الله علیه وآله شده است؛

«... از پیامبرت که نیکوترین و پاک ترین انسان هاست پیروی کن که صلوات و سلام خدا بر او و خاندانش باد؛ زیرا او برای کسی که الگو می طلبد، بهترین الگو و برای کسی که نسبی برتر را می جوید، بهترین نَسَب است. محبوب ترین بندگان در نزد خدا، اقتدا کننده به پیامبرصلی الله علیه وآله و پیرو راه اوست.

ص:۱۶

او در دنیا زهـد ورزیـد و گوشه چشـمی هم به آن نداشت. کمتر از همه مردم از دنیا بهره برد و بیشتر از همه آنان گرسـنگی و محرومیّت کشید.

دنیا بر او عرضه گشت و او از قبول آن سرباز زد و همین که دانست خداوند؛ چیزی را دشمن می دارد، آن را دشمن داشت، و آنچه را خوار می داند، خوار شمرد، و آنچه را کوچک می شمارد، کوچک شمرد.

اگر در وجود مـا هیـچ عیبی نبود، جز این که؛ دنیـای مورد بغض خـدا و پیـامبرش را دوست داشـته و آنچه را که خـدا و پیامبر کوچک شمرده بزرگ شماریم، کافی بود تا از خدا جدا افتیم و با فرمان او در ستیز باشیم.

پیامبرصـلی الله علیه وآله بـدون سـفره، روی زمین غذا می خورد و همچون بندگان متواضـعانه می نشـست و با دست مبارکش پارگی پیراهن کهنه خویش را وصله می زد و بر مرکب بدون زین سوار می شد».(۱)

۱- ۱۸. نهج البلاغه فیض، ص ۵۱۰

«فراتر از تصوّر»

نیکویی اخلاق پیامبرصلی الله علیه وآله در رتبه ای است که خدای عزّوجلّ آن را به عظمت می ستاید: «وَ اِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیم»(۱)

و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری!

نیکویی امری نسبی است، هم نسبت به ستایش کننده و هم نسبت به ستایش شونده.

اخلاقی که از دیدگاه شخصی عادی قابل ستایش شمرده می شود، ممکن است از دیدگاه حاکم یا حکیمی بلند مرتبه، اخلاقی عادی و غیر قابل ستایش باشد. همچنان که عملی اخلاقی اگر از شخصی عادی صورت گیرد، می تواند مورد ستایش قرار گیرد، در حالیکه همان عمل اگر از شخصیّتی بزرگ و گرانقدر صادر شود، اخلاقی قابل ستایش به شمار نمی آید.

به همین قیاس، وقتی ستایش شونده بزرگ ترین و برگزیده ترین پیامبر بوده، و ستایش کننده خدای بی نهایت بزرگ و بلند مرتبه باشد؛

ص:۱۸

۱- ۱۹. سوره قلم، آیه ۴

عظمت اخلاقی مورد ستایش، امری فراتر از تصوّر بشر عادی خواهد بود.

از این رو اگر کسانی در تبیین این عظمت سخن گفته اند، تنها به قطره ای از دریا بسنده کرده اند؛ امیرالمومنین علیه السلام در وصف پیامبرصلی الله علیه وآله می فرمود: «پیامبرصلی الله علیه وآله در میان همه مردم بخشنده ترین دست، با جرأت ترین دل، راستگوترین زبان، وفا کننده ترین عهد نرم ترین خوی و کریمانه ترین معاشرت را دارا بود. هر کس او را یک بار می دید، تحت تأثیر هیبتش قرار می گرفت و هر کس با او همدم می شد و او را می شناخت، محبّتش را به دل می گرفت. هرگز پیش از او و بعد از او مانندش را ندیده ام».(۱)

از «عبداللَّه بن حارث» که از اصحاب رسول اللَّه صلی الله علیه وآله بود نقل شده است که گفت: «هیچ کس را ندیدم که بیشتر از رسول خداصلی الله علیه وآله تبسّم بر لب داشته باشد».(۲)

گروهی از یاران پیامبرصلی الله علیه وآله جمع شدند و گفتند: خوب است شخصی را نزد همسران پیامبرصلی الله علیه وآله بفرستیم و درباره کیفیت رفتار او با آنان، بپرسیم. باشد که الگوی ما قرار گیرد.

با این تصمیم زنی را فرستادند تا به طور جداگانه از یکایک همسران پیامبرصلی الله علیه وآله در این مورد سئوال کند. فرستاده با یک جواب مشترک برگشت؛ همه پاسخ داده بودند:

«شما از اخلاق پیامبرتان می پرسید! در حالی که خلق و خوی او همان

۱- ۲۰. بحار، ج ۱۶، ص ۲۳۱

۲- ۲۱. طبقات، ج ۱، ص ۳۷۲

قرآن مجسّم است. رسول خداصلی الله علیه وآله شامگاهان نماز می خواند و می خوابد و روزها را روزه می گیرد و پس از افطار نزد خانواده خویش می آید».(۱)

از انس بن مالک روایت شده است که گفت: «پیامبرصلی الله علیه وآله خوش اخلاق ترین انسان ها بود».(۲)

و نیز از یکی از همسران آن بزرگوار نقل شده است: «کار ناشایست نمی کرد، زبان به ناشایسته نمی گشود، در بازارها فریاد نمی زد، به درشتی سخن نمی گفت و بدی دیگران را با بدی جواب نمی داد بلکه گذشت کرده و عفو می نمود.»(۳)

۱- ۲۲. طبقات، ج ۱، ص ۳۶۴

۲- ۲۳. مدرک پیشین

۳- ۲۴. بحار، ج ۱۶، ص

«اوج عدالت»

عدالت پیامبرصلی الله علیه وآله به عنوان یکی از بارزترین صفات عالی او، از ابعاد مختلفی قابل بررسی است.

الف) از لحاظ روحی؛ چنان اعتدالی بر روح و روان پیامبر حاکم بود که تجلّی آن در رفتار و حرکات و سکنات او، امری طبیعی و منطقی به شمار می رفت و این امری ثابت شده است که خروج از دایره عدالت در برخوردهای اجتماعی، از عدم تعادل قوای نفسانی شخص سرچشمه می گیرد و با عدم تعادل رفتاری او ارتباط دارد.

ب) از لحاظ تکلیفی؛ پیامبرصلی الله علیه وآله مأمور به عدالت بین انسان ها بود. او در خطاب موکّد الهی همچنان که به استقامت و عدم تبعیّت از خواسته های دیگران فرمان داده شده، به اجرای عدالت و شناساندن عملی آن نیز، مأمور شده بود. بدیهی است او که تسلیم محض اراده خدای تعالی بود و خواسته و فرمان او را بر هر چیز و هر کس مقدّم می داشت، در اطاعت این امر، همه بود و نبودش را فدا می کرد.

ج) از لحاظ شخصیتی؛ او که عنوان هادی و رهنمای مردم را داشت و بار سنگین رسالتی را بر دوش می کشید که تطبیق عدالت و اقامه قسط

را هدف نهایی خود قرار داده بود. - لیقوم الناس بالقسط - به یقین باید مجسّمه عدالت می بود و جز بر مسیر عدالت مطلق قدم نمی نهاد.

د) از لحاظ علمی و معرفتی؛ همان شناخت و عرفانی که او را به مقام رفیع عصمت رسانده بود، کافی بود تا عالی ترین مقام عدالت را نیز که پرهیز از هرگونه ظلم به خویشتن و ستم به دیگران است، برایش به ارمغان آورد.

عدالت آن بزرگوار تا آنجا بود که امام صادق علیه السلام می فرمود:

«رسول خداصلی الله علیه وآله حتی نگاه هایش را بین اصحاب و یارانش به عدالت تقسیم می کرد. به این و آن یکسان می نگریست».(۱)

ص:۲۲

۱- ۲۵. بحار، ج ۱۶، ص ۲۸۰ و فروع کافی، ج ۸، ص ۲۶۸

«ویژگی های بعثت»

الف) قبل از بعثت و حتّی قبل از آفرینش ظاهری پیامبرصلی الله علیه وآله، امر نبوّت او قطعی بود؛ چنان که در روایات متعدّد از قول پیامبرصلی الله علیه وآله آمده است:

«من پیغمبر بودم در وقتی که آدم علیه السلام، ما بین آب و گل بود.»

و در احادیث بسیاری هست که خداوند روح آن بزرگوار را در عالم ارواح، در جمع همه پیامبران مبعوث گردانید و همگی به او ایمان آوردند».(۱)

ب) خداوند از ابتدای طفولیت تا زمان بعثت، بزرگترین فرشته خود را با او قرین ساخت تا شب و روز او را بر راه مکارم بدارد و بر مسیر فضایل اخلاقی سیر دهد.(۲)

ج) چهل سال عمر شریف پیامبر قبل از مبعوث شدن به رسالت، بر طبق آیین اسلام و بدون تبعیت از دین هیچیک از پیامبران گذشته، سپری شد؛ زیرا از طرفی نزد هیچ عالمی از علمای آن ادیان چیزی نیاموخت و کتابی از آنان مطالعه نکرد و ناگزیر هر چه داشت و عمل کرد

۱- ۲۶. حق الیقین، ص ۳۴

۲- ۲۷. نهج البلاغه، خطبه قاصعه، شماره ۱۹۲

از طریق وحی بود و از طرف دیگر، دین او ناسخ ادیان پیشین و خود او برتر از همه پیامبران گذشته بود. لذا ممکن نبود رعیّت و تابع آنان به شمار آید؛ خصوصاً که حیات پیامبرصلی الله علیه وآله در بخشی از دوران چندصد ساله فترت - عدم ارسال رسولان - واقع شده بود و تبعیّت او از ادیان گذشته مستلزم تابعیتش از یکی از اوصیای حضرت عیسی علیه السلام بود.

د) حضور پیامبر در غار حرا که طی سال ها و در زمان های مشخصی همواره تکرار می شد، به دور از غوغای جاهلی مردم مکّه و در پناه خلوت پرشکوه کوهستان، فرصت لازم برای انجام تکالیف عبادی و زمینه مناسب برای ایجاد آمادگی روحی و معنوی پیامبرصلی الله علیه وآله را در اختیار او قرار می داد.

ه) نزول اوّلین آیه های قرآن کریم در ارتباط با قرائت و دانش اندوزی، معنایی خاص به بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می دهد و نقش علوم و معارف را، در ابلاغ رسالت او آشکار می سازد.

و) خصوصیات اجتماعی زمان بعثت پیامبرصلی الله علیه وآله غم انگیزترین و تأسّف بارترین برهه های تاریخ بشریت را به تصویر می کشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام دراین باره می فرماید:

«در زمان بعثت پیامبرصلی الله علیه وآله مردم در فتنه هائی بسر می بردند که ریسمان دین در آن منقطع شده ، پایه های یقین متزلزل گشته، ریشه اعتقاد مردم دگرگونی یافته ، امر جامعه به تفرقه و تشتّت گراییده، خروج از آن فتنه ها، دشوار و راه رهائی ناپیدا بود. هدایت مردم فراموش گشته ، کوری و گمراهی شایع بود. خدای رحمان، مورد نافرمانی مردم، و شیطان

مورد یـاری آنـان بود. ایمان به خواری و ذلّت کشـیده شـده، پایه های آن درهم شکسـته، نشانه های آن تغییر یافته، راه هایش ویران گشته و گذرگاه هایش پنهان نگه داشته شده بود.

مردم پیرو شیطان بودند و در راه های او قدم می نهادند و بر چشمه های فریب او وارد می شدند. بدست آنان حیله های شیطان کارگر می افتاد و پرچم گمراهی اش برافراشـته می شد. فتنه ها، مردم را پایمال می کرد و همگی در آن سـرگردان و حیران و جهالت زده و فریب خورده بودند. مردم در بهترین مکان، با بدترین همنشـینان؛ خوابشان بیداری و سرمه چشمشان، اشک بود. در سرزمینی که اندیشمندان لجام زده و نادانان مورد اکرام بودند.(۱)

۱- ۲۸. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه دوم.

«اعجاز در اعجاز»

معجزه هر پیامبر؛ اثبات کننده رابطه حقیقی او با خداست و معیاری در جهت شناخت صدق او به شمار می رود.

معجزه هر پیامبر؛ یکی از راه های اثبات نبوّت و میزانی برای تشخیص مدّعیان دروغین است.

معجزه هر پیـامبر به تنـاسب اقتضای جامعه و بر اساس اسـبابی غیر عادی، با هـدف جوابگویی به نیازهای واقعی و حسّ حقیقت جوئی و هدایت طلبی مردم صورت می گیرد.

پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله با توجه به گستره وسیع دعوت و جاودانی بودن مکتب اسلام، ناگزیر از آوردن معجزات متعدد و متفاوت بود. چنان که گفته اند همه معجزات پیامبران پیشـین، توسط پیامبرصـلی الله علیه وآله قابل انجام بود و بسیاری از آن ها بدست او عملی گردید.

برتریـن و مهـم ترین معجزه پیـامبر اکرم صـلی الله علیه وآله قرآن کریم است که هم نظم و ترتیب و فصـاحت و بلاـغتش و هم معارف کریمه و قصـص و اخبار و مضامین عالیه اش و هم تحدّی کردن و از تحریف محفوظ ماندنش، همگی از شئون اعجاز است.

ص:۲۶

دیگر معجزات پیامبرصلی الله علیه وآله که برخی بزرگان همچون علاّمه مجلسی رحمه الله آن را افزون از هزار معجزه شمرده اند، اقسامی دارد:

قسمتی مربوط به زمان ولادت آن بزرگوار است :

به تواتر نقل شده که در شب میلاد او، هر بتی در هر معبدی که بود، سرنگون شد. طاق کسری در مداین شکست و چهارده کنگره اش ریخت. دریاچه ساوه که مورد عبادت مردم آن دیار بود، خشک شد. آتشکده فارس که هزار سال شعله اش فروزان بود، خاموش گشت.

بخشی مربوط به شخص شریف آن حضرت است:

چنان که در روایات آمده است، پیامبرصلی الله علیه وآله سایه نداشت و همواره نوری در جبین مبارکش آشکار بود. خواب و بیداری برایش یکسان بود. قوای مختلف او در خواب از کار نمی افتاد. در دست ها و آب دهانش اعجازی بود که بر هر طعامی که می رسید، برکت می یافت و به هر دردمندی می مالید، شفا پیدا می کرد. همه زبان ها را می فهمید و به هر لهجه ای سخن می گفت. قدرتش بیش از هرکس بود.

قسمتی مربوط به اجرام آسمانی بود:

همچون شکافتن ماه، که در قرآن کریم نیز به آن تصریح شده است.(۱)

۱- ۲۹. انشقّ القمر {سوره قمر، آیه ۱}.

نازل شدن مائده آسمانی. فرو آمدن صاعقه بر برخی منکرین آن حضرت.

اقسام دیگری نیز از معجزات رسول خداصلی الله علیه وآله در کتب مربوطه به تفصیل ذکر شده است؛ مانند: سخن گفتن حیوانات با آن بزرگوار. مستجاب شدن دعای آن حضرت در زنده شدن مردگان و شفای بیماران. نزول فرشتگان برای یاری او. خبردادن از امور غیبی و پیش بینی های مکرّر او. معراج و به حرکت درآوردن درخت از سایر معجزات آن بزرگوار است.»(۱)

خواندن شرح جزئیات حرکت درخت به فرمان پیامبر صلی الله علیه وآله که به بیان شیرین امیر بیان، مولا امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه قاصعه نهج البلاغه آمده است، برای علاقه مندانی است که فرصت مراجعه دارند.

۱- ۳۰. این تقسیم بندی با مختصر تغیری از کتاب شریف حق الیقین علامه مجلسی نقل شده است.

«خاتمیّت»

یکی از بزرگ ترین خصوصیات پیامبرصلی الله علیه وآله جهانی بودن و جاودانه ماندن دین اوست که این امر ارتباط مستقیم با مسئله خاتمیّت دارد.

خداوند فرمود: «محمّدصلی الله علیه وآله پدر هیچ یک از مردان شما نیست. لکن پیامبر خدا و خاتم پیغمبران است.»(۱)

ده ها هزار پیامبر خدا در طی صدها قرن برای هدایت انسان ها مبعوث شدند که هریک از آن ها دینی پیشرفته تر و آئینی کامل تر را برای سعادت مردم عصر خویش، عرضه کردند تا این که در دوران پیامبر صلی الله علیه وآله این سلسله پایان یافت و کمال تدریجی ادیان به نقطه اوج خود رسید و با عرضه اسلام توسط پیامبر عالیقدر، کاملترین برنامه زندگی و پایدارترین قانون فردی و اجتماعی و روشن ترین نقشه هدایت و رشد انسانی در اختیار بشریّت قرار گرفت که با دسترسی به آن، در هر کجای زمین و در هر برهه ای از زمان، می توان به سعادت مطلوب دست یافت.

خداوند فرمود: «ای پیامبر! ما تورا به سوی همه انسان ها فرستادیم».(۲)

ص:۲۹

۱- ۳۱. سوره احزاب، آیه ۴۰.

۲- ۳۲. سوره سبأ، آیه ۲۸.

«به مردم بگو: این قرآن بر من وحی شده است تا شما و همه کسانی را که در آینده به دستشان می رسد، انذار کنم.»(۱)

«بگو: ای انسانها! من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.»(۲)

و نیز پیامبر صلی الله علیه وآله می فرمود:

«هر کس که قرآن به او برسد همچون کسی است که به طور حضوری مورد خطاب من قرار گرفته باشد.»(۳)

«من رسول خدا هستم به سوی هر کسی که در زمان حیاتم او را درک کنم، یا بعد از من به دنیا بیاید.»(۴)

«هر پیامبری پیش از من با زبان قومش و تنها به سوی امّت خودش مبعوث می شد، در حالی که خداوند مرا با زبان عربی به سوی همه نژادهای سفید و سیاه و سرخ فرستاد.»(۵)

با آن کمالی که در برنامه های اسلام وجود دارد و با این عمومیت همه جانبه ای که در رسالت پیامبر است، دیگر چه نیازی به ظهور پیامبری دیگر و چه جایی برای ارائه آئینی برتر باقی می ماند؟

البتّه پایان رسالت پیامبران، هرگز به معنای پایان یافتن مسیر تکامل انسان و قطع فیوضات هدایتی خداوند نیست. بلکه با وجود قرآن کریم و رهبری امامان معصوم علیهم السلام و با وساطت عالمان راستین و رهبران با اخلاص و با بهره مندی از تأییدات خاصّه و رحمت های ویژه الهی،

۱- ۳۳. سوره انعام، آیه ۱۹.

۲- ۳۴. سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

۳- ۳۵. الدّرالمنثور، ج ۳ ، ص ۷.

۴- ۳۶. طبقات ، ج ۱ ، ص ۱۹۱.

۵- ۳۷. بحار، ج ۱۶، ص ۳۸۶.

راه تعـالی و تکامل همچنان باز می مانـد و نه تنها انسان ها پس از رحلت پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله به حیرت و وانهادگی دچار نمی شوند، بلکه با تکیه بر داده های الهی می توانند زمینه های رشد شخصی و اجتماعی را آنچنان آماده کنند که تحقق وعده حتمی خداوند در غلبه یافتن اسلام بر تمامی مکتب ها و ادیان عالم تسریع گردد.

به بیان دیگر، اگر پس از پیامبر صلی الله علیه وآله انحرافی در مسیر زندگی انسان ها پیش آمد و یا اکثریت انسان ها از ارتباط درست با دین حق محروم ماندنـد و در زمان کنونی نیز اکثریت قریب به اتّفاق مردم دنیا، یا با اسـلام و قرآن بیگانه مانـده یا از دسـتورات و معارف کریمه آن به برخی ظواهر و عبادات خشک و بی روح بسنده کرده اند، نه بخاطر خاتمیّت دین پیامبرصلی الله علیه وآله و نه به خاطر نقص در ارشادات او بلکه به جهت سخت کوشی دشمنان و غفلت و سستی ما مسلمانان است.

ص:۳۱

شجاعت بی بدیل:

دل پیامبرصلی الله علیه وآله دلی است که همیشه به یاد خدا طپیده و هرگز از غیر خدا نهراسید بلکه کانون شجاعت و دلیری بود. در هیچ جنگی دشمن دین، از شمشیر تیز پیامبر آسوده نماند.

از همه پیشتر می راند، از همه به دشمن نزدیک تر می شد، از همه بیشتر می جنگید.

در بیست و یک جنگ شرکت داشت. در همه این غزوات سردار و فرمانده بود و همچون سربازی شمشیر می زد.

امیرالمؤمنین علیه السلام که خود دریای شجاعت و دلیری بود، همواره آن حضرت را می ستود و می فرمود:

«ما در روز بدر به پیامبرصلی الله علیه وآله پناه می بردیم و او در آن روز از همه ما به دشمن نزدیک تر و سخت تر می جنگید.

همواره چنین بود که وقتی آتش جنگ شعله ور می شد و مسلمین با دشمن روبرو می شدند، ما خود را در پناه رسول خدا قرار می دادیم.»(۱)

۱- ۳۸. بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

«هجرت»

سیزدهمین سال مبعث پیامبرصلی الله علیه وآله سر فصل دوران جدیدی از حیات شریف پیامبر اکرم بود. در اوّل ربیع الاول این سال، هجرت از مکّه به مدینه صورت گرفت تا سرآغازی برای قدرت اسلام و حرکتی اساسی برای تشکیل حکومت اسلامی باشد.

با هجرت پیامبرصلی الله علیه وآله بود که مسلمین مرکزیّتی مستقل یافتند و نه تنها از سلطه کافران و مشرکان رهایی پیدا کردند بلکه زمینه درهم کوبیدن بنای کفر و شرک را نیز فراهم ساختند.

اهمیّت هجرت تا آنجا بود که خداوند علاوه بر مدح هجرت کنندگان و وعده های اجر عظیم برای آنان در قرآن، پذیرش ولایت مؤمنین را مشروط به آن قرار داد و فرمود:

«همانا کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و با مال و جانشان در راه خدا جهاد نمودند و نیز کسانی که مهاجرین را پناه دادند و یاری کردند، یاران و اولیای یکدیگرند. امّا آنان که ایمان آوردند و هجرت نکردند، هیچگونه ولایت و خویشاوندی با شما ندارند، مگر آن که در راه خدا هجرت کنند.»(۱)

۱- ۳۹. سوره انفال، آیه ۷۲.

و نیز در ارتباط با منافقین فرمود: «هرگز از میان آنان دوست و هم پیمان مگیرید، تا آن که در راه خدا هجرت کنند.»(۱)

بدین گونه بود که هجرت، معیاری برای شناخت صدق ایمان و میزانی برای سنجش مقدار اهتمام مسلمانان به اطاعت از خدا و پیامبر قرار گرفت.

آغاز هجرت پیامبرصلی الله علیه وآله به سوی مدینه که به امر خدا و در مناسب ترین موقعیت زمانی صورت می گرفت، همزمان با توطئه مشترک سران طوائف مختلف مشرکین، برای قتل پیامبرصلی الله علیه وآله بود.

در آن شب پنجشنبه، که امیرالمؤمنین علیه السلام به جای پیامبرصلی الله علیه وآله در بستر او آرمیده بود، پیامبرصلی الله علیه وآله در بیابان های اطراف مکّه به سوی غار «ثور» در حرکت بود، تا با پناه گرفتن در آن، از شرّ تعقیب کنندگان خویش در امان بماند.

صبحگاه همان شب بود که جبرئیل بر پیامبرصلی الله علیه وآله نازل شد و شادمانی او پیامبرصلی الله علیه وآله را به شگفت آورد.

پرسید: حبیب من جبرائیل! تو را شادمان می بینم.

گفت: ای محمّد! چگونه شاد نباشم در حالی که به کرامتی که از سوی خدا به برادر و وصی تو، امیر امّت، علی بن ابیطالب علیه السلام داده شده، دیدگانم روشن گشته است.

پرسید: چه کرامتی؟

۱- ۴۰. سوره نساء، آیه ۸۹.

جبرئیل جواب داد: خداوند شب گذشته به فرشتگانش مباهات کرد و فرمود: فرشتگان من! به حجّت من پس از پیامبرم بنگرید که چگونه جانش را فدای او کرده و در این نیمه شب، در برابر عظمت من خاضعانه چهره برخاک می ساید.

شما را شاهد می گیرم که او امام آفریدگان من و مولای بندگان من است.(۱)

مفسّرین شیعه و سنّی در ذیل آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ».(۲)

بعضـی از مردم (بـا ایمـان و فـداکار، همچون علی علیه السـلام در «لیله المبیت» به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبرصـلی الله علیه وآله)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند؛ و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

با استناد به روایات نبوی گفته اند که نزول آن در شأن حضرت علی علیه السلام بود، آن زمان که جانش را در راه خدا و برای محافظت رسول خداصلی الله علیه وآله بذل کرد و شبانگاهان با هجرت پیامبرصلی الله علیه وآله، سر بر بستر او نهاد و با علم به توطئه مشرکین، سینه بی کینه خود را، سپر بلای او قرار داد.(۳)

پیـامبر اکرم در شب چهـارم ربیع الاـول، پس از اطمینـان از یأس کفار و عـدم تعقیب آنان از غار خارج شـده و به سوی مـدینه رهسـپار گردیـد و قبـل از رسـیدن به شـهر مـدینه، در منزلگـاه «قبـا»، آن قـدر مانـد تا امیرالمؤمنین علیه السلام به همراه فاطمه زهراعلیها السلام و تعدادی از زنان بنی هاشم از راه برسند و به او بپیوندند.

ص:۳۵

۱- ۴۱. بحار، ج ۱۹، ص ۸۷ به نقل از مصباح و کنزالعمال.

۲- ۴۲. سوره بقره، آیه ۲۰۷.

۳- ۴۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۱.

«آغاز فاجعه»

صـدای بلال در فضای تاریک شـهر مدینه می پیچید. مردم دسـته دسـته به سوی مسـجد النبی در حرکت بودند. روزها بود که اذان بلال، آمیخته بـا غم و حزنی شدیـد به گوش مردم مـدینه می رسـید و آن روز محزون تر و غم آلوده تر از هر روز بر دل های مضطرب و دردمند مسلمین تأثیر می گذاشت. همه از بیماری پیامبرصلی الله علیه وآله خبر داشتند و در طول راه، نگران و با یکدیگر درباره آن حضرت سخن می گفتند.

اذان پایـان یافته بود و پیامبر هنوز در بستر آرمیـده بود. شایـد دیگر قصـد اقامه جماعت نـداشت، یا شایـد قصـد داشت امّا نمی توانست.

حضرت علی علیه السلام و فضل بن عباس در کنار بستر او بودند و آن چه را که پیامبرصلی الله علیه وآله از دو همسرش عایشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر، شنیده بود، شنیدند و ناگهان دیدند که پیامبرصلی الله علیه وآله برای برخاستن حرکتی کرد و برای تکیه دادن به آندو دست هایش را پیش آورد. به خوبی می شد فهمید که اگر پیامبرصـلی الله علیه وآله با چنین وضـعی و بـا این همه دشواری روانه مسـجد می شود، به خـاطر جلوگیری از اجرای مراسم نمـاز جمـاعت توسـط یکی از همـان دو نفری است که دخترانشان لحظاتی قبل برای جانشینی آنان بعد از رسول اللَّه صلی الله علیه وآله، پیشنهاد می دادند.

ص:۳۶

پیامبرصلی الله علیه وآله در حالی که به علی علیه السلام و فضل تکیه داده بود و پاهایش از شدّت بیماری و ناتوانی تقریباً به زمین کشیده می شد، وارد مسجد شد و ابوبکر را که در محراب پیامبر آماده برگزاری جماعت شده بود، دید و با دست اشاره کرد که کنار برود. او کنار رفت و پیامبر تکبیر گفت.

بعد از نماز، همین که به منزلش وارد شد، ابوبکر و عمر و جماعتی از حاضرین در مسجد را، طلبید و فرمود: مگر به شما امر نکرده بودم که همراه لشکر اسامه بروید؟

همگی گفتند: بله یا رسول اللَّه !

فرمود: پس چرا در اجرای فرمانم تأخیر کردید؟

ابوبکر گفت: من با لشکر بیرون رفتم. امّا باز گشتم تا تو را یک بار دیگر ببینم.

عمر گفت: ای رسول خدا ! من بیرون نرفتم چون دوست نداشتم در این حال مریضی، تو را رها کنم و از مسافران راه حالت را جویا شوم.

پیامبرصلی الله علیه وآله سه بار فرمود: به لشکر اسامه بپیوندید.

در اینجا پیامبرصلی الله علیه وآله از شدّت خستگی و تأسف مکثی کرد، چنان که گویا از هوش رفت. صدای گریه حاضرین که بلند شد، چشم گشود و به آنان نگریست و فرمود:

«قلم و دواتی برایم بیاورید تا بنویسم آنچه را که پس از آن هرگز گمراه نشوید.»

برخی برخاستند و در پی دوات و قلم برآمدند. عمر رو به یکی از آنان کرد و با ناراحتی گفت: «ارجع فإنّه یهجر»؛ باز گرد! او هذیان می گوید.

او باز گشت و همهمه در بین حاضرین افتاد.

برخی گفتند: «انّا للّه وإنّا إلیه راجعون» ما از مخالفت با رسول خدا ترسانیم.

سکوت پیامبر اهل مجلس را آزار می داد. یکی پرسید: قلم و دوات برایت نیاوریم؟

با تأسف فرمود: پس از آنچه گفته شد دیگر لازم نیست. امّا شما را به نیکی کردن به اهلبیتم وصیّت می کنم.

این را گفت و رویش را به نشانه این که می خواهد با خانواده اش تنها باشد از حاضرین برگرداند. اهل مجلس همگی برخاستند و هنگام خروج شنیدند که خطاب به علی بن ابیطالب و عمویش عباس فرمود: «اَنْتُمُ الْمُستَضْعَفُونَ بَعدی» شما پس از من به ضعف کشیده می شوید.

آخرین ساعات عمر پیامبرصلی الله علیه وآله بود که علی علیه السلام را برای آخرین بار به حضور خویش طلبید و او را در آغوش گرفت و نجوایی طولانی با او آغاز کرد و در نهایت فرمود: ای علی! سرم را بر سینه بگیر که امر خدا فرار رسیده است.

یا علی! وقتی جان دادم مرا رو به قبله کن و امر تجهیز و تغسیل و تکفینم را خود به عهده بگیر و جلوتر از همه مردم بر من نماز بگذار و تا مرا به خاک نسپرده ای از پهلویم مرو و از خدا یاوری بخواه.

پیامبرصلی الله علیه وآله دقایقی از هوش رفت.

فاطمه زهراعلیها السلام بی تابانه خود را به روی سینه پدر افکند و در حالی که با اشک های داغش دست های او را شستشو داد، زاری کنان به چهره او نگاه می کرد و می نالید.

ص:۳۸

پیامبرصلی الله علیه وآله برای آخرین بار چشم گشود و دخترش را با خواندن آیاتی از قرآن کریم آرام ساخت و از طولانی نشدن فراق و شهادت او پس از پدر، با خبرش نمود و اسراری را برای او باز گفت.

آخرین لحظات عمر پیامبرصلی الله علیه وآله بود و امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که دست راستش را زیر سر او قرار داده بود، با تمام وجود اشک می ریخت و لب هایش به ذکر و دعا مترنّم بود.(۱)

۱- ۴۴. بحار، ج ۲۲، صفحه ۴۶۵ تا ۴۷۰، بنقل از ارشاد مفید صفحه ۹۴ تا ۹۸، و اعلام الوری صفحه ۸۲ تا ۸۴.

«پای سخن پیامبر صلی الله علیه و آله»

* خداونـد به کسـی که هر چه بخواهـد بخورد و هر چه بخواهـد بپوشـد و هر چه بخواهـد سوار شود، نظر مرحمت نفرمایـد تا بمیرد مگر این روش را ترک کند.

* اگر دنیا به اندازه بال مگسی در نزد خدا ارزش می داشت، چیزی از آن به کافر و منافق نمی داد.

* خداونـد مؤمن را به میزان ایمان و عمل شایسـته اش مبتلا می کنـد. پس هر کس که ایمانش درست و کردارش نیکو باشـد، بلایش سخت است و هر که ایمانش پست و کردارش سست باشد، بلایش اندک است.

* کسی که چهار چیز به او داده شد از چهار چیز محروم نمی ماند:

کسی که توفیق طلب مغفرت پیدا کرد، از آمرزش محروم نمی شود.

کسی که توفیق شکر گذاری یافت، از فزونی نعمت باز نمی ماند.

کسی که توفیق توبه پیدا نمود، از پذیرش آن محروم نمی گردد.

کسی که توفیق دعا به او داده شد، از اجابت باز داشته نمی شود.

* دانش، گنجینه هایی است که کلیـد آن ها پرسـش است. پس آنچه را نمی دانیـد بپرسـید خدای تان رحمت کند؛ زیرا چهار کس اجر دارند: سئوال کننده، جواب دهنده، گوش کننده، و کسی که آنان را دوست بدارد.

* از ما نیست کسی که با مسلمانی به غشّ و دغل رفتار کند، یا به او ضرر برساند، یا به او نیرنگ زند.

* خدا رحمت کند بنده ای را که یا به خیر سخن گوید و بهره یابد، یا از

بدگویی خموش باشد و سالم ماند.

* سه خصلت است که اگر در کسی باشد ایمانش کامل است:

زمانی که خشنود است، خشنودیش موجب انجام کارهای باطل نشود.

زمانی که خشمگین می شود، خشم اش باعث خروج او از دایره حق نگردد.

زمانی که قدرت و امکانات یابد، آنچه را که حق او نیست انجام ندهد.

* بهترین جهاد امّت من، انتظار فرج است.

* آیا شما را به بهترین های دنیا و آخرت راهنمایی نکنم؟

با کسی که از تو بریده بپیوند، به کسی که تو را محروم کرده ببخش، از کسی که به تو ستم کرده درگذر.

* با ایمان ترین شما، خوش اخلاق ترین شماست.

* اگر مردی را دیدید که نسبت به آنچه می گوید یا درباره او گفته می شود بی باک و بی مبالات است بدانید از زنا یا شیطان است.

* کسی که دانش آموزد تا با سفیهان جدال کند یا بر علما مباهات نماید یا مردم را به سوی خود متوجّه سازد تا بزرگش شمارند، جایگاهش در آتش دوزخ است.

* عیسی روح اللَّه علیه السلام در وصف همنشین و دوست خوب به یارانش گفت: دوست خوب کسی است که دیدنش شما را به یاد خدا اندازد و گفته اش به کردار شایسته شما بیفزاید و رفتارش شوق و رغبت به آخرت را در شما ایجاد کند.

* زمانی که انسان بدکاری مورد مدح دیگران قرار گیرد عرش خدا می لرزد و پروردگار غضب می کند.

خوش پیمانی و وفای به عهد از ایمان است.

ص:۴۱

* این که مؤمنی برادر مؤمنش را به خاطر خدا دوست بدارد از بزرگ ترین شعبه های ایمان است.

* خوشا به حال کسی که شهوت وجودی را به خاطر پاداشی که به او وعده داده شده امّا آن را ندیده ترک کند.

* کامل ترین مردم از جهت عقل و خرد کسی است که از خدا بیشتر بترسد وا و را بیشتر اطاعت کند.

* روزگاری بر مردم آید که انسان هر چه از دینش از دست بدهد باکی ندارد در صورتی که دنیایش سالم بماند.

* کسی که حاکم و مسئولی را به آنچه خدا را به خشم می آورد راضی سازد از دین خدا خارج شده است.

فرزند دو ذبیح هستم. (اسماعیل بن ابراهیم خلیل علیهما السلام و عبداللّٰه بن عبدالمطلب علیهما السلام)(۱)

خداوند هیچ کس را برتر و گرامی تر از من در نزد خویش نیافریده است.(۲)

من اوّلین کسی هستم که به پروردگارم ایمان آوردم و آن زمان که از پیامبران میثاق می گرفت و یا «الست بربکم» آنان را، شاهد بر خویش قرار می داد، من اوّلین پیامبر بودم.

به خدا سوگند! همانا من امین در آسمان و امین در زمین هستم.(۳)

من در آنچه که بر من وحی نمی شود، همچون سایر مردم هستم.(۴)

به چهار ویژگی بر سایر پیامبران صلی الله علیه وآله فضیلت یافتم: به سوی همه انسان ها مبعوث شدم، تمام زمین برای امّتم مسجد و مایه تطهیر قرار گرفت، به هراسی که از من در دل دشمنانم می افتد یاری شدم و غنایم بر من حلال شد.

۱- ۴۵. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۶۷.
۲- ۴۶. نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۵۴.
۳- ۴۷. کنز العمال، خ ۳۲۱۴۷.
۴- ۴۸. الدر المنثور، ج ۲، ص ۸۳.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ – قرآن کریم/چهار رنگ – گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲ – قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۳ – قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۴ – قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۵ – قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای

۶ – کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۷ – کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۸ – منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای

۹ – منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای

۱۰ – نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی

۱۱ – صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای

۱۲ – ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۳ – آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۱۴ – آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی

۱۵ – آخرین پناه محمود ترحمی

۱۶ – آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۱۷ – آشنایی با چهارده معصوم (۱و۲)/شعر و رنگ آمیزی سیّد حمید رضا موسوی

۱۸ – آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی

۱۹ – آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۲۰ – ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۲۱ – از زلال ولایت واحد تحقیقات

۲۲ – اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۳ – امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۴ – امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

ص:۴۳

۲۵ – امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سیّد محمّد حسین کمالی

۲۶ – امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام(روسی) آلمات آبسالیکوف

۲۷ – امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۸ – امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۹ – انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۳۰ – انتظار و انسان معاصر عزیز اللّه حیدری

۳۱ – اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۳۲ – با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۳۳ – بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۳۴ – بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی

۳۵ – پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۳۶ – پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۳۷ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسیم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی

۳۸ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی

۳۹ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی

۴۰ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی

۴۱ – پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی

۴۲ – تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۳ – تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۴۴ – تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات

۴۵ – تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۴۶ – تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۴۷ – تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری

۴۸ – جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۴۹ – چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۵۰ – چهل حدیث /امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۵۱ – چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی

ص:۴۴

۵۲ – حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۵۳ – حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۵۴ – ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۵۵ – خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۵۶ – خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۵۷ – خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۸ – دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۵۹ – داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۶۰ – داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۶۱ – در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف

۶۲ – در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۶۳ – در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۶۴ – دفاع از حریم امامت و ولایت(مختصر شب های پیشاور) کریم شنی

۶۵ – دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۶۶ – دین و آزادی محمّد حسین فهیم نیا

۶۷ – رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی

۶۸ – رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

۶۹ – روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی

۷۰ – زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

۷۱ – سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۷۲ – سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۷۳ – سرود سرخ انار الهه بهشتی

۷۴ – سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۷۵ – سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۷۶ – سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

۷۷ – سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۷۸ – سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام(دوجلدی) محمّد امینی گلستانی

ص:۴۵

۷۹ – سیمای مهدی موعودعلیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۸۰ – شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمّد حسین نائیجی

۸۱ – شمس وراء السحاب/ عربی السیّد جمال محمّد صالح

۸۲ – صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ – ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّه هاشمی شهیدی

۸۴ – عاشورا تجلّی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۸۵ – عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ – عطر سیب حامد حجّتی

۸۷ – عقد الدرر فی أخبار المنتظرعلیه السلام/عربی المقدس الشافعی

۸۸ – علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۸۹ – علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۹۰ – غدیرخم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۹۱ – غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۲ – فتنه وهابیت علی اصغر رضوانی

۹۳ – فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۹۴ – فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۹۵ – فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۹۶ – فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها(پخش) حسن صدری

۹۷ – فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۹۸ – فریادرس حسن محمودی

۹۹ – قصه های تربیتی محمّد رضا اکبری

۱۰۰ – کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۰۱ – کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۱۰۲ – کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان

۱۰۳ – کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۱۰۴ – گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۱۰۵ – گفتمان مهدویت آیت اللّه صافی گلپایگانی

ص:۴۶

۱۰۶ – گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۱۰۷ – مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی

۱۰۸ – مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله

۱۰۹ – مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۱۱۰ – مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۱۱۱ – منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۱۱۲ – منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

۱۱۳ – منشور نینوا مجید حیدری فر

۱۱۴ – موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۱۵ – مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّه حیدری

۱۱۶ – مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۱۱۷ – مهدی موعودعلیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار – دو جلد علّامه مجلسی رحمه الله/ارومیه ای

۱۱۸ – مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی

۱۱۹ – مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۱۲۰ – میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۱۲۱ – ناپیدا ولی با ما / (فارسی ،ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

۱۲۲ – نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۳ – نجم الثاقب(دوجلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

۱۲۴ – ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ – نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۲۶ – نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۲۷ – نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۲۸ – نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۲۹ – نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۳۰ – و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۳۱ – واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۳۲ – وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۳۳ - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۳۴ - هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۳۷ - یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۳۸ - ینابیع الحکمه/عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳ ، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱ - ۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴ - ۵۶۶۴۲۱۲ - ۰۱۲۲

ص:۴۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹